

شرح جامع جامع الالحان عبدالقادر مراغی

آرین رحمانیان

سرشناسه
عنوان قراردادی
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
پادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتاب بناسی ملی

رحمانیان، آراین، ۱۳۴۶ -
جامع‌الالخان، شرح
شرح جامع جامع‌الالخان عبدالقادر مراغی/ آراین رحمانیان؛ ویراستار
مؤسسه ثمین کتاب ایرانیان؛ مدیریت تهیه و تولید بنیاد فرهنگی هنری
رودکی.
تهران: بنیاد فرهنگی هنری رودکی، ۱۳۹۷.
۳۹۲ ص.: مصور؛ ۲۹×۲۲ سم.
978-600-92459-4-9
فبیا
کتاب حاضر شرحی بر کتاب «جامع‌الالخان» تألیف عبدالقادر بن غیبی
مراغی است.
مراغی، عبدالقادر بن غیبی، - ۸۲۸ق. . جامع‌الالخان -- نقد و تفسیر
موسیقی ایرانی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
Music, Iranian -- Early works to 20th century*:
نثر فارسی -- قرن ۹ق.
Persian prose literature -- 15th century:
مراغی، عبدالقادر بن غیبی، - ۸۲۸ق. . جامع‌الالخان . شرح
/۳۴۴ML/۱۳۹۷۲/۲۰۲۱۴ج۴م/
۹۵۵/۷۸۰:
۵۲۶۲۵۸۹:

تاریخ درخواست : ۱۳۹۷/۰۴/۱۴

تاریخ پاسخگویی :

کد پیگیر : ۵۲۰۱۲۰



عنوان: شرح جامع جامع‌الالخان عبدالقادر مراغی

ناشر: بنیاد فرهنگی هنری رودکی

گردآوری و نگارش: آراین رحمانیان

ویراستار: مؤسسه ثمین کتاب ایرانیان

مدیریت تهیه و تولید: بنیاد فرهنگی هنری رودکی

مدیریت و نظارت فنی: مینا اکبری جاوید

مدیریت اجرایی: مهران مرزبان

طراح جلد: مریم سجادی

لیتوگرافی، چاپ: قلم - قم

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک : ۹-۴-۹۲۴۵۹-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: تهران. خیابان حافظ. خیابان استاد شهریار - انتشارات بنیاد فرهنگی هنری رودکی

تلفن : ۶۶۷۳۱۵۰۲ نمابر : ۶۶۷۱۸۱۳۳ کد پستی: ۱۱۳۳۹۱۴۹۴۹

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مدیرعامل بنیاد رودکی . دکتر علی اکبر صفی پور
۱۳	پیش گفتار
۱۹	مطالبی پیرامون کتاب حاضر
۲۳	دیباچه
۲۷	مقدمه
۲۷	فصل اول از مقدمه: در تعریف موسیقی
۲۸	فصل ثانی از مقدمه: در کیفیت حدوث صنعت موسیقی
۲۸	فصل ثالث از مقدمه: در ذکر موضوع موسیقی
۲۸	فصل رابع از مقدمه: در ذکر مبادی این علم
۲۹	فصل خامس از مقدمه: در آن که علت غایی این فن چیست
۳۱	باب اول
۳۱	فصل اول: در تعریف صوت
۳۲	فصل ثانی از باب اول: در تعریف نغمه و کیفیت حدوث آن از آلات
۳۶	فصل ثالث از باب اول: در سبب وصل صوت و نغمه به سامعه
۳۷	فصل رابع از باب اول: در بیان اسباب حدث و ثقل
۳۹	باب ثانی
۳۹	فصل اول از باب ثانی: در تقسیم دساتین به طریق صاحب ادوار
	فصل ثانی از باب ثانی: در تقسیم دساتین به طریقی که مقدار و نسبت بعد بقیه (و نسبت حاشیتین
۴۱	آن با یکدیگر از آن طریق) روشن شود

فصل ثالث از باب ثانی: در تقسیم وتر به اجزای صغار که از آن اجزا مقادیر و دساتین (و اماکن)	۴۳
نغمات هفده گانه معلوم شود، با نظایر از وتر واحد	۴۷
باب ثالث	۴۷
فصل اول از باب ثالث: در بیان ابعاد و ذکر نسب آن‌ها	۴۷
فصل ثانی از باب ثالث: در اضافات ابعاد بعضی به بعضی	۵۴
فصل ثالث از باب ثالث: در فصل ابعاد بعضی از بعضی	۵۶
فصل رابع از باب ثالث: در بیان قاعده تنصیف ابعاد	۵۷
فصل خامس از باب ثالث: در بیان اسبابی که موجب تنافر باشند	۵۸
باب رابع	۶۱
فصل اول: در ذکر بعضی از اصناف اجناس و نسبت و ابعاد و اعداد آن‌ها	۶۱
طریقه عمل صنف اول از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند و آن منتظم غیرمتالی بود	۶۳
طریقه عمل صنف ثانی از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند منتظم متالی	۶۴
طریقه عمل صنف ثالث از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند منتظم متالی	۶۴
طریقه عمل صنف رابع از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند غیرمتالی	۶۵
طریقه [عمل] صنف خامس از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند غیرمنتظم	۶۵
طریقه عمل صنف سادس از جنس لیتن که آن را جنس لیتن راسم خوانند [در حالت] غیرمنتظم	۶۶
فصل ثانی از باب رابع: در تألیف ملایم از اقسام بُعد ذی لای و بُعد ذی الخمس	۶۶
اما اقسام سیزده گانه بُعد ذی الخمس	۶۹
فصل ثالث از باب رابع: در ترتیب دوایر از اضافات اقسام طبقه ثانیه به اجناس طبقه اولی	۷۳
اما صور دوایر هشتاد و چهار گانه و اضافات قسم سیزدهم به اقسام طبقه اولی ؟ مجموع نود و یک دایره	۷۸
باشند و آن‌ها از اضافات به نوع خود و غیر خود مترتب شوند	۹۶
بیان انواع	۱۰۱
باب خامس	۱۰۱
فصل اول: در حکم وترین	۱۰۱
طریقه استخراج ادوار از وترین	۱۰۲
فصل ثانی از باب خامس: در حکم ثلاثه اوتار	۱۰۳
فصل ثالث از باب خامس: در بیان اربعه اوتار که آن را عود قدیم خوانند	۱۰۴
فصل رابع از باب خامس: در بیان خمسه اوتار که آن را عود کامل خوانند	۱۰۵
جهت تسمیه اوتار عود	۱۰۶

باب سادس	۱۰۷
فصل اول: در بیان ادوار مشهوره و ذکر نسب ابعاد اعداد آن‌ها و طریقه استخراج آن‌ها از دساتین عود	۱۰۷
فصل ثانی از باب سادس: در بیان طبقات ادوار و قواعد آن‌ها	۱۱۰
فصل ثالث از باب سادس	۱۲۵
بیان آوازا ت سته	۱۳۱
فصل رابع از باب سادس	۱۳۴
باب سابع	۱۳۹
فصل اول: در اشتباه ابعاد به یکدیگر	۱۳۹
بیان اشتباه ثدی که بر نسبت ضعیف ذی الاربع باشد به بُعد طنینی	۱۴۰
فصل ثانی از باب سابع: در بیان تشارک نغم ادوار با یکدیگر	۱۴۱
فصل ثالث از باب سابع	۱۴۴
باب ثامن	۱۴۷
فصل اول: در بیان ادوار مشهوره در جمع تام، چنان که هر دایره‌ای با نظایر مترتب شود	۱۴۷
فصل ثانی از باب ثامن: در ذکر اسامی مقامات و لایم به الفاظ عربیه و یونانیه	۱۴۹
فصل ثالث از باب ثامن: در مناسبات پرده‌ها و آوازا ت و شعبات	۱۵۱
باب تاسع	۱۵۳
فصل اول: در ذکر دساتین مستوی و منعکس	۱۵۳
فصل ثانی از باب تاسع: در بیان اصطخاب غیرمعهود	۱۵۴
فصل ثالث از باب تاسع: در بیان طریقه پیدا کردن ترجیعات از اوتار	۱۶۷
باب عاشر	۱۷۳
فصل اول از باب عاشر: در بیان قاعده گرفته‌های مشکل بر دساتین اوتار از مشابهات و مختصات	۱۷۳
فصل ثانی از باب عاشر: در تعلیم خوانندگی به حلق و ذکر ترکیبات قریب الفهم و بعید الفهم	۱۷۴
بیان میدأ و محط خوانندگی	۱۷۵
فصل ثالث از باب عاشر: در کلام بر انتقال	۱۷۶
فصل رابع از باب عاشر: در ذکر اسامی و مراتب آلات و الحان	۱۷۹
[آلات ذوات اوتار]	۱۸۰
اما آلات ذوات النفخ	۱۸۶
اما ساز کاسات	۱۸۷

۱۸۷.....	اما طاسات و الواح.....
۱۸۹.....	باب حادی عشر.....
۱۸۹.....	فصل اول: در ادوار ایقاع بدان طریق که قدما ذکر کرده‌اند.....
۲۰۰.....	فصل ثانی از باب حادی عشر: در ادوار ایقاعی چنان که در این زمان مستعمل و متداول است.....
۲۰۴.....	فصل ثالث از باب حادی عشر: در ذکر ادوار ایقاعی که اختراع این فقیر است.....
۲۰۷.....	فصل رابع از باب حادی عشر: در بیان قاعده دخول در تصانیف.....
۲۰۹.....	باب ثانی عشر.....
۲۰۹.....	فصل اول: در اثیر نغم ادوار.....
۲۱۱.....	فصل ثانی از باب ثانی عشر: در ذکر اصابع سته و طریقه قدیم.....
۲۱۹.....	[تصانیف].....
.....	سبب تصنیف کردن سی نو..... مرتب که هر نوبتی پنج قطعه بودند در یک ماه رمضان به دارالسلطنه
۲۲۱.....	تبریز.....
۲۲۲.....	اشعار نوبت مرتب که در مقام حسینی و اول رمضان ساختم، پنج قطعه.....
۲۲۶.....	فصل ثانی در طریقه مطلع.....
۲۲۶.....	فصل ثالث در صوت اعنی میان خانه.....
۲۲۹.....	تعلیقات.....
۲۲۹.....	تعلیقات دیباچه مؤلف.....
۲۳۱.....	تعلیقات مقدمه.....
۲۳۵.....	تعلیقات باب اول.....
۲۴۴.....	ملاحظات مطالب باب اول.....
۲۴۵.....	تعلیقات باب ثانی (دوم).....
۲۵۵.....	تعلیقات باب ثالث (سوم).....
۲۷۲.....	ملاحظات باب ثانی و ثالث.....
۲۷۹.....	تعلیقات باب رابع (چهارم).....
۳۰۳.....	ملاحظات باب چهارم.....
۳۰۷.....	تعلیقات باب خامس (پنجم).....
۳۱۱.....	تعلیقات باب سادس (ششم).....
۳۲۷.....	خلاصه باب سادس.....
۳۲۹.....	تعلیقات باب سابع (هفتم).....
۳۳۷.....	ملاحظات باب سابع.....

۳۳۹.....	تعلیقات باب ثامن (هشتم).....
۳۴۱.....	تعلیقات باب تاسع (نهم).....
۳۵۱.....	تعلیقات باب عاشر (دهم).....*
۳۶۱.....	تعلیقات باب حادی عشر (یازدهم).....
۳۷۴.....	ملاحظات باب یازدهم.....
۳۷۷.....	تعلیقات باب ثانی عشر (دوازدهم).....
۳۹۱.....	کتاب‌شناسی.....

پیش‌گفتار

شرح حال عبدالقادر مراغی

عبدالقادر بن غیبی "فط الراغی" به احتمال زیاد در بین سال‌های ۸- ۷۵۷ ق. در مراغه بدنیا آمد. (مراغی، ۱۳۶۶: مقدمه و تراجم، ۱۳۸۸: پیش‌گفتار). مراغی نام خود را در کتاب‌های مقاصدالاحان و جامع‌الاحان «عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی» ذکر کرده است، اما نام و لقب او در منابع گوناگون به صورت‌های مختلف ذکر شده است. از جمله از وی با نام‌های «نظام‌الدین»، «کمال‌الدین»، «ابن غیبی» و «عبدالقادر گوینده» نیز یاد برده شده است (فصیح‌خوافی، ۱۳۸۶: ۱۱۱۰ و مراغی، ۱۳۶۶: هفده).

لقب حافظ، به معنی حافظ قرآن کریم بوده است. چنانکه از گفته‌های خود عبدالقادر مشخص است هم پدرش و هم او حافظ قرآن بوده‌اند و هر دو دارای این لقب (مراغی، ۱۳۵۶: ۱۴۰). عبدالقادر از پدر خود با عنوان «ابن غیبی» یا «غیاث‌الدین غیبی» یاد می‌کند و اطلاعات بسیار کمی درباره وی به ما می‌دهد. خواندمیر در حبیب‌السیر نام پدر عبدالقادر را «صفی‌الدین» ذکر می‌کند و او را مردی کاردان و مرتبط با اشراف و دربار معرفی می‌کند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ج ۴، ۳). در عین حال عبدالقادر در هیچ یک از آثارش نام پدر خود را «صفی‌الدین» ذکر نکرده است. همچنین مندرجات روایت نقل شده توسط خواندمیر از لحاظ تاریخی با تاریخ حیات و وفات پدر عبدالقادر مطابقت ندارد.

عبدالقادر پدر خود را اهل ایمان، معنی و دانش معرفی می‌کند. او در تمجید فضایل علمی و اخلاقی پدر بسیار مبالغه می‌کند چنان‌که در وصف وی می‌نویسد: «... در انواع علوم شتی ید طولی و مرتبه اعلی داشت خصوصاً درین علم و عمل همانا که کسی بدو نرسیده» (مراغی،

مقاصدالاحان، ۱۳۵۶: ۱۳۹). مراغی پدر خود را یگانه استاد خویش در موسیقی می‌داند و درباره فراگیری موسیقی از پدرش می‌نویسد: «که چون قرآن را حفظ کرده بودم خواستند که معرفت نغمات کماینغی این بنده را حاصل شود تا چون به تلاوت قرآن مشغول شوم به نغمات طیبه بدان ترنم کنم» (پیشین، ۱۴۰).

عبدالقادر مراغی در دورانی می‌زیست که آل جلایر یا جلایران بر قسمت‌هایی از ایران و عراق حکومت می‌کردند. این سلسله پس از فروپاشی سلسله ایلخانان به قدرت رسید و نزدیک یک صد سال حکومت کرد. (۷۴۰-۸۳۵ ق.). قدرتمندترین شاه آل جلایر شیخ اویس بود که عبدالقادر در زمان حکومت فرزندان وی اعتبار ویژه‌ای یافت.

در کتاب جامع‌الاحان باب ثانی عشر، مراغی از ماجرای ساختن سی نوبت در سی روز ماه رمضان یاد می‌کند. این ماجرا در زمان سلطنت پسر سلطان اویس، سلطان حسین و در دربار او به سال ۷۷۸ ق. در تبریز اتفاق می‌افتد. مطابق متن جامع‌الاحان بسیاری از بزرگان علم و هنر و شخص شاه در این مجلس حاضر داشتند و مراغی ادعا می‌کند که می‌تواند روزی یک نوبت مرتب که سخت‌ترین فرم آهنگسازی در آن زمان بوده است را بسازد. در این میان برخی از استادان موسیقی از جمله خواجه رضوان‌الدینی گویند که چنین چیزی محال است و شاید مراغی از قبل این آهنگ‌ها را ساخته باشد. مراغی پیشنهاد می‌کند که موسیقیدانان و حضار هر روز ابیات، دور یا مقام و دور ایقاعی نوبتی که قرار است ساخته شود را به وی بگویند و مراغی در همان روز یک نوبت مطابق خواسته آن‌ها می‌سازد. در نهایت این اتفاق می‌افتد و مراغی شرط‌بندی را می‌برد و مورد لطف و عنایت و پاداش‌های شخص سلطان قرار می‌گیرد. (شرح جامع جامع‌الاحان، ۲۱۷)

ظاهراً مراغی دور ایقاعی ضرب ربیع را در تبریز برای سلطان حسین ساخته است. بنا به گفته مراغی سلطان حسین از مراغی درخواست تصنیفی می‌کند و وی به طور بداهه هم دور ایقاعی و هم تصنیفی در این دور می‌سازد. وجه تسمیه این دور از این جهت است که در فصل بهار ساخته شده است (مراغی، ۱۳۷۰: ۳۷۶).

سلطان حسین بدست برادرش، سلطان احمد به قتل رسید. سلطان احمد بر برخی از دشمنان خویش از جمله ترکمانان قراقویونلو غلبه کرد. از طرف دیگر وی با سرکشی برادرانش شیخ علی و بایزید مواجه شد. کشمکش‌های سیاسی و تقسیم قلمروی حکومتی بین برادران آل جلایر مدت‌ها طول کشید و سرنوشت مراغی نیز چنان بود که در بسیاری از مواقع برای نتایج

این ماجراها آهنگسازی می‌کرد. برای مثال، در جنگ اوجان که میان شیخ علی و احمد صورت گرفت، احمد شکست را پذیرفت و شیخ علی آن روز را روز «فتح» اعلام کرد. وی از مراغی خواست که به مناسبت این فتح، دور ایقاعی برای شاه بسازد. مراغی نیز دور چهل و نه نقره‌ای به نام دور فتح می‌سازد (مراغی، ۱۳۷۰: ۳۷۵).

با حمله تیمور به مناطق غرب ایران، سلسله آل جلایر به انقراض کامل می‌انجامد. تیمور در سال ۷۸۷ ه‍.ق. به آذربایجان لشکرکشی کرد. عبدالقادر به همراه سلطان احمد از تبریز به بغداد می‌گریزد. در مال ۷۹۶ ه‍.ق. بغداد بدست تیمور فتح می‌شود. سلطان احمد به مصر می‌گریزد، اما مراغی به بسیاری دیگر از هنرمندان به چنگ تیموریان می‌افتدند.

عبدالقادر به همراه جمعی از هنرمندان به سمرقند فرستاده می‌شود. مراغی در آن‌جا مورد احترام و حمایت نو و ولم بهد تیمور، غیاث‌الدین محمد، قرار می‌گیرد. مراغی در شرح ادوار می‌گوید که دور مأتین را به طرح است همین شاهزاده ساخته است. (مراغی، ۱۳۷۰: ۳۷۸). پس از مدتی اقامت در سمرقند ظاهر مراغی به همراه میران شاه و یا به دستور او به تبریز رفته است. میران شاه که زمانی در دلاورترین پسران تیمور بود و دلاوری‌های زیادی از خود نشان داده بود، پس از مدتی یا به دلایل اطراف یا به نوشیدن شراب و یا به علت افتادن از روی اسب، دچار اختلال حواس شد. ظاهراً گرایش به اعتراضی درباره رفتار وی از تبریز به تیمور ارسال می‌شد که در نهایت منجر به خشم تیمور گردید. سرانجام، تیمور به این نتیجه رسید که برای رسیدگی به اوضاع تبریز و مناطق غربی قلمرو، خود شخصاً به تبریز برود. تیمور در ۸۰۲ ق. به تبریز رفت. از آن‌جا که در گزارش‌ها علت رفتار زشت میران شاه متأثر از معاشرت وی با اطرافیان و ندیمان لایبالی و ناباب ذکر شده بود، تیمور میران شاه را عزل کرد و دستور داد تا تمامی ندیمان وی اعدام گردند (مراغی، ۱۳۶۶: مقدمه یازده). ظاهراً عبدالقادر توانسته بود که در جامه‌ی قلندران از تبریز بگریزد و در نهایت خود را به بغداد برساند. بغداد در این زمان دوباره به تصرف سلطان احمد جلایر درآمده بود. در سال ۸۰۳ ق. تیمور به بغداد حمله کرد و این شهر را گرفت. سلطان احمد جلایر به موصل گریخت اما عبدالقادر دستگیر شد. هنگامی که وی را به نزد تیمور بردند، مراغی ناگهان به تلاوت قرآن پرداخت و از آن‌جایی که دارای صوت بسیار زیبایی بود، تیمور تحت تأثیر قرار گرفت و جانش را بخشید. آن‌گاه تیمور با نگاهی محبت‌آمیز و با لبخند به وی می‌گوید: «بدال ز بیم چنگ بر مصحف زد» (خواندمیر، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

بعد از این ماجرا، تیمور مراغی را دوباره به سمرقند می‌فرستد. از این زمان تا زمان مرگ تیمور و به قدرت رسیدن شاهرخ اطلاع‌چندانی از روزگار مراغی در دست نیست. با روی کار

آمدن شاهرخ، وضعیت هنر و هنرمندان بسیار مورد توجه قرار گرفت و مراغی نیز استثنا نبود. بنا به گفته دولتشاه سمرقندی چهار هنرمند در پایتخت شاهرخ، هرات، حضور داشتند که هر یک از آن‌ها در هنر خویش سرآمد و یگانه عصر بود (دولتشاه، ۱۹۳۹: ۲۳۱).

ظاهراً سی سال پایان زندگی عبدالقادر مراغی در هرات و در دربار شاهرخ گذشته است. بررسی آثار مراغی و توجه خاص شاهرخ نسبت به هنرمندان در این دوره گواه آن است که ظاهراً مراغی در این دوران زندگی آرام و بی‌تلاطمی را داشته است. مراغی آثار چندینی را به شاهرخ تقدیم کرده است که مهم‌ترین آن‌ها «جامع‌الالحان» است. مراغی سرانجام در سال ۸۳۸ ق. بر اثر بیماری طاعون در هرات درگذشت.

عبدالقادر برای سه پسر به نام‌های نورالدین عبدالرحمان، نظام‌الدین عبدالرحیم و عبدالعزیز بود. بنا به گفته عبدالقادر عبدالرحمان و عبدالرحیم در زمان نگارش جامع‌الالحان (۸۱۶ ق.) دوازده و هفت ساله بوده‌اند (مراغی، ۱۳۸۸: ۴۱۹). وی همچنین تأکید می‌کند که در پرورش آنان به خصوص تعلیم موسیقی بسیار زحمت کشیده است و سعی کرده که تمامی دانسته‌های خود را به آنان انتقال دهد (مراغی، ۱۳۸۸: ۴۱۹). عبدالعزیز کوچک‌ترین فرزند مراغی ظاهراً بیش از دو برادر دیگر در موسیقی دارای استعدادهای و آثاری از خود به جای گذاشته است. وی کتابی به نام نقاوة‌الادوار تألیف کرده و آن را به سلطان محمد دوم عثمانی تقدیم کرده است (مراغی، ۱۳۶۶: هفت). پسر عبدالعزیز، محمود، نیز موسیقیدان بوده است. وی نیز کتابی به نام مقاصدالادوار تألیف و آن را به سلطان بایزید دوم عثمانی تقدیم کرده است.

آثار عبدالقادر مراغی

مهم‌ترین آثار مکتوب مراغی عبارتند از جامع‌الالحان، کنز‌الالحان، کتاب‌الالحان و شرح ادوار. البته کتاب‌های دیگری به نام‌های رساله ساز چینی یا موسیقی چینی، قواعد عشره و ترجمه ترکی ادوار به اسم روح‌پرور نیز به وی نسبت داده شده‌اند.

کتاب شرح ادوار (با متن ادوار و زوائد الفوائد) چنان‌که از نام آن هم پیداست، شرح کتاب الادوار صفی‌الدین ارموی است. کنز‌الالحان که متأسفانه نسخه‌ای از آن در دست نیست ظاهراً حاوی بسیاری از ساخته‌های مراغی بوده که توسط وی نیز آوانگاری شده بودند.

مقاصدالالحان در حقیقت خلاصه‌ای از جامع‌الالحان است. بیشتر مطالب موجود در مقاصدالالحان و شرح ادوار به طور کامل‌تر در جامع‌الالحان مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جامع‌الالخان

شاید بتوان گفت جامع‌الالخان مهم‌ترین اثر مراغی باشد. این کتاب دائرةالمعارفی از قواعد و اصول موسیقی است که در یک مقدمه، دوازده باب و یک خاتمه گردآوری شده است. مقدمه جامع‌الالخان دارای پنج فصل است که در آن مراغی به تعریف موسیقی، کیفیت حدوث صناعت موسیقی، موضوع موسیقی، مبادی موسیقی و علت غایی فن موسیقی پرداخته است.

در باب اول، مراغی به تعریف صوت، تعریف نغمه و چگونگی تولید آن، چگونگی رسیدن صدای تولید شد به گوش و علت بمی و زیری صدا می‌پردازد.

باب ثانی به بحث درباره تقسیم دستان‌ها مطابق شیوه ارموی، محاسبه بعد بقیه و تقسیم وتر به نغمات هفت‌گانه اختصاص داده شده است.

در باب ثالث مراغی درباره ابعاد یا فواصل موسیقایی، نسبت‌های عددی آن‌ها و روش محاسبه، اضافه کردن یک سله به فاصله دیگر، کم کردن یک فاصله از فاصله دیگر و عواملی که موجب تنافر می‌شوند می‌پردازد.

باب چهارم به بحث درباره انواع مختلف الاربعا (تترا کورد) و ذی‌الخمس‌ها (پنتا کورد) و چگونگی ترکیب آن‌ها می‌پردازد. همچنین در این فصل نحوه به وجود آمدن دایره‌ها یا ادوار گوناگون مورد بحث قرار می‌گیرد.

باب پنجم چهار فصل دارد. در این چهار فصل مراغی با بررسی شیوه کوک کردن و بدست آوردن نغمه‌های گوناگون از وترهای مختلف عود می‌پردازد.

در باب ششم مراغی انواع ادوار مشهوره یا دوازده مقام را سیل و بررسی می‌کند. در فصل دوم این باب طبقات ادوار شرح داده شده است. در فصل دوم و چهارم باب ششم آوازهای شش‌گانه و شعبات بیست‌وچهارگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هرچند در این باب نظریات و اعتراضات قطب‌الدین شیرازی به صفی‌الدین ارموی مورد نقد قرار گرفته است.

باب هفتم دارای سه فصل است، فصل اول: در اشتباه ابعاد به یکدیگر، فصل دوم در بیان تشارک نغم ادوار با یکدیگر و فصل ثالث در ترتیب اجناس در طبقات ابعاد عظمی و ذکر اعداد آن‌ها. در باب هشتم که دارای سه فصل است، مراغی اسامی یونانی و عربی نغمه‌های ملایم را ذکر می‌کند. همچنین وی به ارتباط میان مقام‌ها، آوازها و شعبات و وجه تشابه و نزدیکی آن‌ها می‌پردازد.

در باب نهم، روش‌های تقسیم در تارهای عکس و مستقیم، انواع کوک‌های نامتعارف و قواعد نواختن وترهای سایر و راجع بررسی شده است.

باب دهم به انگشت گذاری‌های دشوار در عود، تعلیم خوانندگی، مرکب‌خوانی و سازشناسی اختصاص داده شده است.

باب یازدهم بحث ایقاع یا ریتم است. این باب دارای چهار فصل است. مراغی در این باب به تعریف ایقاع و ارکان آن می‌پردازد. وی دوره‌های ایقاعی که در گذشته و زمان او بکار می‌رفته را برشمرده و تشریح کرده است. در پایان این باب وی به شرح ادوار ایقاعی که خود او ساخته است می‌پردازد.

در باب دوازدهم موضوعاتی مانند تأثیر نغمه‌ها و ادوار گوناگون بر حالات روحی و عاطفی انسان، اصابع دست و طریقه قدیم یا مدهای دستانی، انواع فرم‌های موسیقایی و ماجرایی نوبت مرتب که مراغی در ماه رمضان در دربار تبریز ساخته بود مورد بررسی قرار گرفته‌اند. خاتمه جامع‌الالحن دارای شش فصل است. مراغی در این خاتمه به موضوعات متعددی می‌پردازد. یکی از این موضوعات آداب اجرای موسیقی توسط اجراکنندگان است. مناسبت‌خوانی و این که در هر مجلس چه موسیقی، آواز و اشعاری باید انتخاب شود از دیگر موضوعات خاتمه است. کسب مهارت ساز و نحوه تمرین، موسیقی مغولی و شرح حال موسیقیدانان گذشته از دیگر موضوعات خاتمه جامع‌الالحن است.

از جامع‌الالحن چهار نمونه نسخه خطی موجود است که جزئیات آن‌ها به شرح زیر است.

۱- نسخه کتابخانه بادلیان به شماره Marsh 282. این نسخه به خط مؤلف به تاریخ ۲۸ محرم ۸۰۸ ق. است که در تاریخ ۸۱۶ ق. توسط عبدالقادر مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. در نسخه تجدیدنظر شده، مراغی این کتاب را به فرزند خود نورالدین عبدالرحمن اهدا کرده است.

۲- نسخه کتابخانه نور عثمانیه، شماره ۳۶۴۴. این نسخه نیز مستقیماً مؤلف است و ظاهراً نگارش آن در تاریخ ۸۱۸ ق. پایان یافته است. مراغی این نسخه را به شاهین تقدیم کرده است. دعای پادشاه اسلام که برای شاهرخ تیموری است در حاشیه صفحه اول این نسخه نوشته شده است. همچنین در نخستین ورق این نسخه وقف‌نامه‌ای مهر شده با طغرای سلطنتی عثمانی دیده می‌شود که متن آن به صورت زیر است:

وقف قطب دائرةالعدالة و مرکز بسیطة النبالة السلطان ابن سلطان، السلطان ابوسعید عثمان خان ابن السلطان مصطفی خان دام سعدة و اقبالة و طال عمره و اجلاله و انا الداعي الحاج ابراهيم حنيف المفتاش باوقاف الحرمين المحترمين غفرله.

۳- نسخه دیگری از کتابخانه نور عثمانیه به شماره ۳۶۴۵ که بسیار شبیه نسخه قبلی است. این نسخه نسبت به نسخه قبلی پاکیزه‌تر است و ظاهراً برای شاهرخ پاکنویس شده است.

۴- نسخه استانبول، کتابخانه بلدیه به شماره ۰۵۷. ظاهراً این نسخه در اوایل قرن بیستم میلادی از نسخه نور عثمانیه (به شماره ۳۶۴۴) استنتاج شده است.

مطالبی پیرامون کتاب حاضر

کتاب جامع‌الالحان نخستین بار در سال ۱۳۶۶ توسط استاد فقید تقی بینش به چاپ رسید. استاد بینش از پیشگامان احیاء آراء موسیقیدانان قدیم بودند که با چاپ کتاب‌ها و رسالات موسیقی قدیم مانند شرح ادوار مراغی، سه رساله فارسی در موسیقی، مقاصدالالحان و جامع‌الالحان نام مهمی در معرفی دوباره این میراث کهن برداشتند.

متأسفانه چاپ اول کتاب جامع‌الالحان علی‌رغم تلاش و همت جناب بینش خالی از اشکال نبود. غلط‌های چاپی، اوان، افتادگی لغات و جملات در موارد متعدد و ناخوانا بودن برخی از شکل‌ها از جمله کاستی‌های علمی این چاپ بود.

خوشبختانه کتاب جامع‌الالحان در سال ۱۳۸۸ توسط محقق ارجمند جناب بابک خضرائی دوباره به چاپ رسید. جناب خضرائی در چاپ جدید با مقابله دقیق چند نسخه خطی توانستند کاستی‌های موجود در چاپ مرحوم بینش را مرتفع سازند. در حقیقت، با همت و تلاش علائمانه ایشان متن ویرایش شده و قابل اعتمادی از جامع‌الالحان ارائه گردید و بدین ترتیب، امکان مطالعه دقیق‌تر و علمی‌تر این اثر فراهم شد.

در سال ۱۳۸۸ که اولین بار خدمت علامه فرزانه حضرت استاد سیدعبدالله انوار رسیدم، درباره تحقیقات و علایق خود درباره موسیقی قدیم ایران با ایشان صحبت کردم. استاد انوار کتاب جامع‌الالحان مراغی را که توسط مرحوم بینش چاپ شده بر و سه سال پیش از تاریخ ملاقات بنده با ایشان آن را تصحیح و یادداشت‌هایی درباره آن مرقوم فرموده بودند. را به بنده نشان دادند. سپس فرمودند برای مطالعه یک نظام علمی بهتر است که از ابتدا شروع کنیم نه انتها. منظور ایشان از این عبارت این بود که جامع‌الالحان مراغی آخرین اثر فاخر در عرصه صناعت موسیقی نظری یا همان تئوری موسیقی قدیم ایران است. سنت موسیقایی که مراغی در آن قرار داشت جدا از پیشینه اسطوره‌ای، دارای تاریخ مدونی از اواخر دوره ساسانی بود. این سنت موسیقایی پس از اسلام در دو مکتب عمده موسیقایی خراسان و اسکولاستیک بغداد متجلی شد. البته باید توجه داشت که بنیان‌های نظری و نظام عملی مکتب اسکولاستیک بغداد نیز توسط ایرانیان پایه‌گذاری و گردانده می‌شد. حضور ایرانیانی چون خاندان موصلی، زلز، زریاب در حوزه موسیقی عملی و نظریه‌پردازانی چون فارابی و ابن‌سینا در حوزه نظری گواه این مدعاست.